

باسمه تعالی

بررسی وضعیت اشتغال با رویکرد برنامه‌ریزی پودمانی برای
دانش‌آموختگان دختر رشته‌های کشاورزی: مطالعه موردی استان فارس

توسط:

معصومه فروزانی
دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز

و

دکتر غلامحسین زمانی
دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز

M_forouzani2@yahoo.com E-mail:

Or

Ghh_zamani@yahoo.com

بررسی وضعیت اشتغال با رویکرد برنامه‌ریزی پودمانی برای دانش‌آموختگان دختر رشته‌های کشاورزی: مطالعه موردی استان فارس

معصومه فروزانی و دکتر غلامحسین زمانی

چکیده

طی یک دهه اخیر، پذیرش دانشجو بدون توجه به ظرفیت اشتغال‌زایی جامعه از سوی نظام آموزش عالی هم در بخش دولتی و هم در بخش غیر دولتی آن (دانشگاه آزاد)، همراه با کاهش توان ظرفیت‌سازی اشتغال در بخش کشاورزی و تورم نیروی انسانی در بخش خدمات و استخدام دولتی، موجب افزایش نرخ بیکاری بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها شده است. متأسفانه در مورد دانش‌آموختگان بخش کشاورزی وضعیت بیکاری حادتر است و در همین راستا افزایش روند پذیرش دختران در دانشگاهها نسبت به پسران، و محدودیتهای فرهنگی- اجتماعی موجود برای آنها در دستیابی به شغل در بخش کشاورزی این مساله را برای دختران فارغ‌التحصیل کشاورزی نسبت به پسران مشکلتر نموده است. با وجود اینکه دلایل متعددی بر بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی مترتب است، لیکن عمده‌ترین دلیل آن ضعف مهارتهای عملی و تجربه کم آنها در فعالیتهای مرتبط با کشاورزی می‌باشد. به همین منظور طرحی تحقیقاتی با هدف بررسی نیازهای آموزشی دانش‌آموختگان کشاورزی دختر در استان فارس، به منظور برنامه‌ریزی دوره‌های آموزشی تکمیلی در قالب پودمانهای آموزشی برای تکمیل دانسته‌های علمی مرتبط با رشته کشاورزی و تواناییهای شغلی لازم برای دستیابی به شغل در سال ۸۳-۱۳۸۲ انجام گرفت و با کمک پرسشنامه ۴۵۰ نفر از دانش‌آموختگان کشاورزی دختر دانشگاههای سراسری و آزاد ساکن در استان فارس به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد مطالعه قرار گرفتند. این پژوهش مبتنی بر تحقیق پیمایشی بوده و از روش تحلیل محتوایی نیز به عنوان یک روش تحقیق کیفی برای استخراج داده‌ها استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تعداد بیکاران بسیار بیشتر از تعداد شاغلین است و اکثریت شاغلین هم به مشاغل موقتی و پاره‌وقت اشتغال دارند. از میان سازمانها و ارگانهای مرتبط با کشاورزی تنها سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی با اجرای طرحهای نظارتی افزایش تولید محصولات تا حدودی در اشتغال فارغ‌التحصیلان دختر موفق بوده است. تمایل به خوداشتغالی نیز در میان فارغ‌التحصیلان به دلیل مشکلات اجرایی کار و تجربه کم آنها در کشاورزی بسیار پایین است. لذا، با توجه به حرفه‌های مورد علاقه گروه هدف در مجموع ۱۷ دوره آموزشی تکمیلی انتخاب گردید و با بهره‌گیری از همکاری اساتید و متخصصان امر، برای هر یک از آنها، پودمان آموزشی به منظور برگزاری دوره‌های آموزشی تکمیلی تهیه شد. در پایان نیز به منظور بهبود وضعیت اشتغال و افزایش توان فارغ‌التحصیلان دختر کشاورزی در دستیابی به شغل توصیه‌هایی عملی ارائه شد.

مقدمه

وجود نیروهای متخصص و کارا که محصول نهایی آموزش عالی فرض می‌شوند، از ابزارهای ضروری برای دستیابی به توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... است. اما نکته قابل توجه رابطه پویای بین آموزش عالی و بازار کار است، چرا که به ترتیب وظیفه تربیت نیروی انسانی متخصص و کارا و بکارگیری آنها را بر عهده دارند؛ واضح است چنانچه یکی از این دو، وظیفه خود را بخوبی به انجام نرساند، چرخه ناکامل مانده و انباشت نیروی انسانی متخصص و یا به عبارتی دانش‌آموختگان آموزش عالی پدید می‌آید که خود منشا مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی فراوانی است و دستیابی به توسعه را به تعویق می‌اندازد. با این وجود، افزایش صرفاً کمی دانش‌آموختگان آموزش عالی مساله مشکل‌زایی است که امروزه شاهد آن هستیم؛ زیرا با توجه به کمبود فرصتهای اشتغال دائمی و اداری، دانش‌آموختگان توانایی تطبیق با بازار کار و ایجاد کار و شغل برای خود را ندارند و با معضلی به نام بیکاری مواجه هستند که خود سرچشمه مشکلات عدیده‌ای برای فارغ‌التحصیلان خصوصاً دختران از نظر بهره‌وری تحصیلی و همچنین برای جامعه خواهد شد.

با این وجود این مساله برای دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی نسبت به سایر رشته‌ها وضعیت حادث‌تری دارد، و در این میان برای دختران که با محدودیتهای فرهنگی - اجتماعی بیشتری مواجه هستند، شدیدتر است. علاوه بر آن این احتمال وجود دارد که با توجه به روند افزایش پذیرفته‌شدگان دختر در آزمونهای ورودی دانشگاهها این امر در آینده به یک معضل بزرگ اجتماعی تبدیل شود. بر همین اساس در تلاش برای کنترل و کاهش این بحران طرحی در دو بخش در استان فارس اجرا شده است تا با هدف بررسی نیازهای آموزشی دانش‌آموختگان کشاورزی دختر در استان فارس، علاوه بر نیازسنجی، با برنامه‌ریزی پودمانی جهت ارائه دوره‌های آموزشی تکمیلی مورد نیاز برای حرفه‌هایی مشخص در قالب پودمانهای آموزشی به تکمیل دانسته‌های علمی مرتبط با رشته کشاورزی و همچنین تقویت مهارتها و تواناییهای شغلی لازم برای دستیابی به شغل در آنها بپردازد.

اهمیت موضوع

آموزش به مثابه ابزاری کارا برای خلق مهارت و دانش، و پرورش سرمایه انسانی از اهمیت والایی برخوردار بوده است. ولی تجارب کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های اخیر، نشان می‌دهد که گسترش کمی آموزش به معنای توسعه دانش و افزایش خلاقیت و بهره‌وری نیروی کار و همچنین به معنای قابلیت جذب فارغ‌التحصیلان در صنعت و خدمات متناسب، نیست. و اعطای مدارک تحصیلی به جوانان آموزش‌دیده، لزوماً با ارتقای تواناییها و قابلیت‌های آنها همراه نمی‌باشد (اعلاءفر، ۱۳۷۹ ب). تحولات گسترده و بنیادین جهان در عرصه‌های مختلف، شرایط محیطی جدیدی را فراروی آموزش عالی قرار داده به گونه‌ای که رسالتهای آموزش عالی بایستی توسعه منابع انسانی، تربیت دانش‌آموختگان با کیفیت و مهارتهای جدید برای ورود موفق به دنیای کار داخلی و بین‌المللی، پژوهش و گسترش مرزهای دانش در تعامل با توسعه فناوری و فرهنگ باشد (غفرانی، ۱۳۷۶). با این حال در جامعه ما با وجود اینکه بیکاری تحصیلکرده‌ها به معنای پیشی گرفتن عرضه بر تقاضای نیروی انسانی تحصیلکرده در بازار کار است و در شرایط متعارف انتظار می‌رود که با فزونی عرضه بر تقاضای نیروی انسانی تحصیلکرده، بازدهی سرمایه‌گذاری در آموزش کاهش یافته و به دنبال آن تقاضا برای آموزش دانشگاهی کاهش یابد؛ ولی تقاضا برای آموزش عالی نه تنها روندی کاهنده نداشته بلکه به طور مداوم در حال افزایش است (فرجادی، ۱۳۷۶) و اکنون نرخ بیکاری کشور، حدود ۱۱ درصد است که بسیار بالاست (محمدی دنیانی و فولادی، ۱۳۸۰) و برای زنان این وضعیت بحرانی‌تر است؛ اعلام شده است که نرخ بیکاری زنان در آینده با سرعت قابل توجهی رو به فزونی است زیرا عدم آمادگی بازار کار برای جذب حجم عظیم نیروی کار موجب تقویت نگرشهای جنسیتی در زمینه اشتغال گشته و این امر موجب پیشی گرفتن نرخ بیکاری زنان نسبت به نرخ بیکاری مردان بیش از گذشته می‌شود. که یکی از دلایل این امر بالا بودن نرخ بیکاری زنان دارای تحصیلات متوسطه است که محرک اصلی آنها در ورود آنان به دانشگاه است (طایی، ۱۳۸۲). بنابراین با توجه به اینکه پس از دانش‌آموختگان گروه پزشکی، بالاترین نرخ بیکاری به دانش‌آموختگان کشاورزی اختصاص دارد، انتظار است که این وضعیت در میان دانش‌آموختگان کشاورزی دختر به شکل حادث‌تری مطرح باشد. بدیهی است که افزایش اشتغال برای این گروه از دانش‌آموختگان دختر همراه با ارائه تصویر دقیقی از وضع فعالیت افراد دارای آموزش عالی و نرخ بیکاری روزافزون آنها، می‌تواند موجب کنترل افزایش نرخ بیکاری در میان آنها شود که در این راه ضرورت افزایش توان حرفه‌ای و مهارتی دانش‌آموختگان کشاورزی دختر به عنوان یک راه‌حل اساسی و توجه به رویکرد برنامه‌ریزی پودمانی بسیار ثمر خواهد بود. معرفی و کاربرد پودمان یا مدولهای^۱ آموزشی یکی از ضرورتهای دنیای متحول امروز، برای داشتن نظامی آموزشی است که در مواجهه با تحولات فزاینده، دانش‌آموختگان را قادر نماید تا دانش و مهارت لازم را کسب نمایند. زیرا نظامها و روشهای سنتی به تدریج ناکارآمد بودن خود را نشان می‌دهند. بنابراین باید از روشهایی استفاده نمود تا افراد در هر فرصتی که به دست می‌آوردند، بتوانند به یادگیری بپردازند و به شرایط و تفاوت‌های فردی آنها توجه خاصی مبذول شود (رادنیاء، ۱۳۷۸).

^۱ . Modules

اهداف

- هدف کلی از انجام طرح پژوهشی، بررسی وضعیت اشتغال و نیازهای آموزشی دختران فارغ‌التحصیل کشاورزی بیکار یا صاحب کارهای موقت، نامناسب و نامربوط به تخصص آنها؛ همچنین بررسی زمینه‌های مناسب اشتغال برای دختران فارغ‌التحصیل کشاورزی بوده است. بر همین مبنا اهداف اختصاصی زیر برای دستیابی به هدف فوق در نظر گرفته شد:
- بررسی وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان دختر رشته‌های کشاورزی ساکن در استان فارس.
 - بررسی میزان توفیق فارغ‌التحصیلان دختر رشته‌های کشاورزی ساکن در استان فارس در دستیابی به شغل مناسب و مرتبط با رشته تحصیلی.
 - ریشه‌یابی دلایل بیکاری و عدم توفیق در کسب شغل در میان فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی ساکن در استان فارس.
 - بررسی و تعیین نیازهای آموزشی و مهارتی فارغ‌التحصیلان دختر رشته‌های کشاورزی (خصوصاً فارغ‌التحصیلان بیکار یا صاحب کارهای موقت، نامناسب و نامربوط به تخصص آنها) ساکن در استان فارس.
 - برنامه‌ریزی پودمانی و تدوین برنامه‌های آموزشی پودمانی به منظور ارائه آموزشهای مورد نیاز حرفه‌های مشخص شده با توجه به لیاقتهای مورد نیاز مربوط به هر حرفه.

مروری بر پیشینه‌نگاشته‌ها

آموزش عالی و بیکاری دانش‌آموختگان دختر

با وجود آنکه عرضه خدمات آموزش عالی طی سالهای اخیر و رشد منطقی و منظم متقاضیان در گروههای مختلف آموزشی طی سالهای ۷۴-۱۳۷۰ روند افزایشی داشته است، لیکن این روند از سال ۱۳۷۵ با کاهش متقاضیان مرد در تمامی گروهها و نوسان رشد متقاضیان زن در گروههای مختلف، دچار دگرگونی شده است به گونه‌ای که نسبت پذیرفته شده به داوطلب در گروه زنان افزایش و در گروه مردان کاهش یافته است. از سوی دیگر سهم گروه سنی ۲۴-۱۸ سال در کل متقاضیان دختر افزایش یافته ولی در مورد پسران، به دلیل کاهش انگیزه تقلیل یافته است (طایی، ۱۳۸۲). نگاهی به ظرفیتهای پذیرش دانشجو، تعداد آنها و میزان فارغ‌التحصیلان نیز نشان می‌دهد که آموزش عالی کشور در بخش دولتی و خصوصاً بخش غیردولتی بدون توجه به ظرفیت اشتغالزایی در جامعه اقدام به پذیرش دانشجو می‌نماید (دانش‌آموختگان و اشتغال، ۱۳۷۸). بررسی اطلاعات دوره ۷۷-۱۳۶۸ حاکی از آن است که آموزش عالی بخش دولتی که در ابتدای دوره بیش از ۷۰ درصد دانشجویان را در بر گرفته است، در انتهای دوره با کاهش سهم دانشجویان خود، این رقم را به حدود ۴۷ درصد رسانده است و با سرعت به سمت غیردولتی شدن پیش رفته است (طایی، ۱۳۸۲). از اینرو طی یک دهه اخیر، این عامل همراه با کاهش یا ثبات توان ظرفیت‌سازی اشتغال در جامعه، رشد فزاینده جمعیت آمادۀ کار، محدودیت منابع مالی برای سرمایه‌گذاریهای گسترده در بخش صنعت، ظرفیت کم اشتغال در بخش کشاورزی و تورم نیروی انسانی در بخش خدمات و استخدام دولتی، بیکاری هر روز دامنگیر بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها می‌شود (اعلاءفر، ۱۳۷۹ الف). متأسفانه دانش‌آموختگان بخش کشاورزی با وضعیت نامساعدی روبرو می‌باشند. زیرا تنها ۲۷ درصد از کل دانش‌آموختگان کشاورزی در این بخش مشغول به کار هستند (محمدی دنیانی و فولادی، ۱۳۸۰) و بر طبق بررسیها کمتر از یک درصد از کل افراد شاغل در بخش کشاورزی دارای تحصیلات دانشگاهی هستند (زمانی، ۱۳۸۰ الف) و این مساله برای دختران وضعیت حادثتری به خود گرفته است زیرا مشکل دختران بنا به اقتضای محدودیتهای فرهنگی - اجتماعی برای دستیابی به شغل در بخش کشاورزی نسبت به پسران دوچندان است.

با وجود اینکه نرخ مشارکت زنان در کشور بسیار پایین است، اما افزایش این نرخ مشارکت یکی از پدیده‌های مهم بازار کار در سالهای آینده خواهد بود. علاوه بر آن، ثبات کار و ماندگاری زنان در بازار کار نیز افزایش یافته است که از مهمترین دلایل این

امر بالا رفتن سطح تحصیلات و رشد آموزش عالی در بین زنان است. علاوه بر آن بالا رفتن سن ازدواج، افزایش سهم نسبی زنان مجرد و تغییر ساختار سنی جمعیت از جمله عوامل موثر بر افزایش مشارکت زنان خواهد بود (طایی، ۱۳۸۲).

دلایل بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی

دلایل متعددی بر عدم دستیابی تعداد زیادی از دانش‌آموختگان کشاورزی خصوصاً دختران به اشتغال در بخش کشاورزی مرتب است. در کنار مسایل اقتصادی و رشد فزاینده جمعیت در سالهای اخیر، دلایل عمده بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی به طور اخص عبارتند از:

◀ عدم تناسب آموزش دانشگاهی، توانایی و مهارت دانش‌آموختگان با نیازهای بازار کار و عدم فراگیری مهارتهای لازم بازار کار توسط دانشجویان، همچنین نبود ارتباط کافی میان نظام آموزشی و نظام اشتغال در بخش کشاورزی، جامعه کشاورزان و روستائیان (آقاسی‌زاده، ۱۳۷۹؛ اکبری، ۱۳۷۹؛ امینی میلانی، ۱۳۷۹؛ صبوچی، ۱۳۸۰؛ عسکریان، ۱۳۷۵).

◀ تناسب نداشتن محتوای آموزشی با شرایط موجود و تاکید بر مسائل نظری، کافی نبودن واحدهای کارورزی، ضعف مهارتهای حرفه‌ای دانش‌آموختگان جهت مدیریت عملیات تولیدی و عدم ایجاد تجارب کاری در دانشجویان (بهرامی، ۱۳۸۰؛ صبوچی، ۱۳۸۰؛ آقاسی‌زاده، ۱۳۷۹؛ زمانی، ۱۳۸۰ الف؛ یعقوبی، ۱۳۸۰؛ ظریفیان، ۱۳۷۵).

◀ پایین بودن سطح کیفی آموزش عالی و کارآفرینی نیروی کار فقدان ابتکار، خلاقیت، انعطاف‌پذیری، تفکر انتقادی، برای یادگیری فعال و آموزش مستمر و توان گروهی و درک رشته‌ای در میان دانش‌آموختگان (امینی میلانی، ۱۳۷۹؛ حجازی، ۱۳۷۰؛ رحمانی، ۱۳۷۹؛ شعاری نژاد، ۱۳۷۵؛ صبوچی، ۱۳۸۰).

◀ وجود تعداد زیاد دانشگاهها و دانشکده‌های کشاورزی به منظور ارضای نیاز مدرک‌گرایی جامعه، تعداد زیاد دانش‌آموختگان کشاورزی (ساکتی، ۱۳۸۰، معاونت برنامه‌ریزی وزارت کشاورزی، ۱۳۷۸).

◀ تورم نیروی کار در بخش دولتی، نداشتن مجوز استخدام، سیاست کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری امور به بخش خصوصی (زمانی، ۱۳۸۰ الف؛ ساکتی، ۱۳۸۰).

◀ نبود اطلاعات شغلی مناسب و شیوه‌های شغل‌یابی در دوران تحصیل، عدم وجود برنامه مشخص شغلی و داشتن تصور خیالی برای شغل در دانشگاه (یعقوبی، ۱۳۸۰).

بر همین اساس است که دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی برای کار در مزارع و یا در کنار کشاورز آمادگی و کارایی چندانی ندارند. بنابراین چنانچه تغییرات ساختاری در بخش کشاورزی و بخش آموزش عالی صورت نگیرد، کشور در زمینه ایجاد فرصت شغلی برای نیروی کار این بخش دچار مشکل خواهد شد (کرباسی و دانشور، ۱۳۷۹).

راهکارهای بهبود وضعیت بیکاری فارغ‌التحصیلان کشاورزی

بی‌شک به منظور دستیابی به توسعه در بخش کشاورزی، گزیری در استفاده از نیروهای متخصص و تحصیل‌کرده نیست، زیرا از یک طرف رسیدن به خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک با توجه به دانش و تجربه عملی، مهارتها و لیاقتهای این افراد امکانپذیر خواهد بود و از طرف دیگر هزینه‌های مالی و زمانی تقبل شده از سوی دولت، خانواده و خود دانش‌آموختگان در طی دوران تحصیل جبران خواهند شد. با این حال بسیاری از صاحب‌بنظران علت بیکاری تحصیلکردگان کشاورزی را فقدان مهارت مورد نیاز بازار کار ذکر می‌کنند و راه حل کاهش بیکاری را آموزش بهتر و بیشتر می‌دانند (صبوچی، ۱۳۸۰). راه‌حلهای پیشنهادی صاحب‌بنظران عبارتند از: تجدید نظر عمیق برنامه‌های درسی، منابع یادگیری و روشهای آموزشی (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵). تاکید بیشتر بر واحدهای عملی و کاربردی، آموزش در مزارع و اطلاعات کاربردی (ظریفیان، ۱۳۷۵، محمدی دنیانی و فولادی، ۱۳۸۰). ایجاد ارتباط بین نظام آموزشی و نظام اقتصادی از یک سو و ارائه راهنماییهای شغلی و خدمات مشاوره‌ای به دانشجویان از سوی دیگر؛ و اطلاع‌رسانی پیرامون نیازهای بازار کار، توزیع جغرافیایی این نیازها و امکانات بالقوه در نقاط مختلف به دانشجویان و

دانش‌آموختگان (یعقوبی، ۱۳۸۰). مد نظر قرار دادن تکالیفی در دروس دانشکده به منظور پرورش شایستگی‌های کانونی دانشجویان در ابعاد خودشکوفایی (تعهد، پشتکار، انضباط، روابط اجتماعی، اعتماد به نفس، آینده‌نگری، روحیه کار گروهی، خلاقیت، مهارت‌های تصمیم‌گیری، ویژگی‌های مدیریتی، دانش و تجربه علمی در رشته تخصصی کشاورزی، توانایی و تجربه عملی در کشاورزی)، شناختی و مهارتی (توانمندی‌های عمومی از قبیل تفکر انتقادی، توان حل مساله، اجتماع‌پذیری و کار گروهی، سعه صدر و تحمل خصوصیات دیگران، ارزش کار و لذت بردن از کارآفرینی و خلاقیت) در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی کلیه رشته‌های تحصیلی دانشگاهی (بهرامی، ۱۳۸۰، زمانی، ۱۳۸۰، الف، طایی، ۱۳۸۲).

علاوه بر موارد فوق، با توجه به کاهش تصدی‌گری دولت و ممنوعیت استخدام در بخش‌های دولتی، تاکید بیشتری بر فعالیتهای خوداشتغالی و اشتغال به شکل خصوصی خواهد بود. در همین راستا زمانی (۱۳۸۰ب) بیان می‌کند که به منظور ورود دانش‌آموختگان به مشاغل خصوصی و خوداشتغالی، باید تغییراتی در برنامه آموزشی دوران تحصیل داده شود از جمله افزایش واحدهای عملی، ارتباط داشتن دانشگاه با بخش‌های اجرایی کشور، ایجاد روحیه خوداشتغالی در دانش‌آموختگان، آشنایی با بازار کار، افزایش مدت درس کارآموزی و اطلاع‌رسانی. لذا از راه‌حلهای عمده، هدایت فارغ‌التحصیلان دانشگاهها به سمت خوداشتغالی (فردی و گروهی) و کارآفرینی است. زیرا همانطور که امینی میلانی (۱۳۷۹) بیان نموده است با عنایت به تغییرات بازار کار دو عامل نقش مهمی در رفع بیکاری دارا می‌باشند: **تناسب آموزش دانشگاهی با نیازهای بازار کار؛ و افزایش سطح کیفی آموزش عالی به منظور کارآفرینی نیروی کار (بهره‌وری دانش‌آموختگان)**. بنابراین دانش‌آموختگان باید مهارتهای لازمه خوداشتغالی را کسب نموده تا از فشارهای وارده به بخش‌های دولتی (عمدتا) و بخش‌های خصوصی برای اشتغال به کار کاسته شود. لذا غنی‌سازی تجربه‌های آموزشی و حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان ضروری می‌نماید. به همین منظور نظام برنامه‌ریزی پودمانی رهیافت آموزشی معتبری را به دست می‌دهد و فرصت‌هایی را برای بازآموزی و روزآمد کردن دانش و مهارت‌های فنی فراهم می‌کند (قزل، ۱۳۸۴). این نظام فرصتی را برای یادگیری مشارکتی (فعال) فراهم می‌کند زیرا ماهیت ذاتی فعالیت‌ها با تأکید بر خوداکتشافی و یادگیری از طریق تجربه، به سمت تعاملی شدن روابط هدایت می‌شود و شیوه یادگیری چندگانه (از فعالیت‌های انفرادی گرفته تا دو نفره و در نهایت گروهی) نیازها و علایق اکثر فراگیران را در چارچوبی کوتاه‌مدت مطرح می‌کند. لذا، نظام آموزش پودمانی، واسطه‌ای مطمئن برای تربیت و تمرین انواع مهارت‌های ضروری در راستای مشارکت سازنده است (مهارت‌هایی مانند برقراری ارتباط، تعاون، تصمیم‌گیری، مذاکره و حل مسائل (آموزش پودمانی خاستگاه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۴).

در این نظام، نگرش سیستمی کاربرد قابل ملاحظه‌ای دارد. زیرا قبل از هر چیز نیازهای آموزشی تعیین شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته سپس اهداف، محتواها، روشها، منابع آموزشی، طرح درس و شیوه‌های ارزشیابی معین و یا تدوین می‌شوند. بنابراین استقلال مطالب آموزشی، این امکان را فراهم می‌سازد که برای یادگیری هر مهارت خاص، مسیری کوتاه و جدا از مسیر مهارت‌های دیگر در اختیار فراگیر قرار گیرد و فرد می‌تواند دقیقاً به یادگیری آنچه برای او کاربرد مستقیم دارد بپردازد (قزل، ۱۳۸۴).

بنابراین در این رویکرد دانش‌آموخته در ابتدای هر پودمان از کلیه هدفهای اصلی و اهداف رفتاری و غیررفتاری آن مطلع شده و بدین‌وسیله مهارت یا قابلیت را که در آن باید تسلط یابد از ابتدا مشخص می‌نماید (رادنیا، ۱۳۷۸). مزایای این روش آموزشی در راستای اشتغال دانش‌آموختگان دختر کشاورزی عبارتند از: (قزل، ۱۳۸۴؛ Anonymous, 2004; Gass et al., 2004):

- پودمانها موجب پیشرفت گام به گام دانش و مهارت دانش‌آموختگان می‌شود، برخلاف روشهای آموزشی سنتی یا خطی که امکان چنین پیشرفت دانشی و مهارتی برای آنها کمتر است. کاربرد رویکردهای پودمانی مستلزم بحث و گفتگو میان فراگیران است، که خود موجب توسعه و پیشرفت آنان به نحو بهتری می‌شود.
- در انتخاب درسها و فرصتهای یادگیری مناسب انعطاف‌پذیری وجود دارد. همچنین زمینه امکان کاربرد تجربه‌های قبلی دانش‌آموخته در زمینه‌های مورد آموزش فراهم است.
- فرصتهای یادگیری مداوم و مستمر به شکل مرحله‌ای تدارک دیده می‌شود.

- امکان استفاده فراوان از پودمان برای رشته‌های کشاورزی به دلیل وجود روال عمودی در توالی دروس آنها وجود دارد.
- مسئولیت بیشتری به دانش‌آموختگان در جریان یادگیری و خودنظم‌دهی به فرایند یادگیری واگذار می‌شود.
- پاسخگویی بیشتری نسبت به تنوع دانش‌آموختگان بر اساس سن، جنس، سطح سواد و ... دارد.
- امکان آشنایی با شیوه‌های یادگیری تعاملی و تجربی و همچنین ارزشیابی موفقیتهای تسلط دانش‌آموختگان در کسب مهارت‌ها، بر اساس استانداردها را فراهم می‌نماید.
- از زیادآموزی و کم‌آموزی اجتناب می‌شود زیرا نیازهای واقعی مد نظر قرار می‌گیرند.
- امکان برنامه‌ریزی آموزشی برای مشاغل با توجه به امکانات و شرایط بومی وجود دارد و اشتغال دانش‌آموختگان در شغل مورد نظر، پس از طی پودمان‌های آموزشی مربوطه سهل تر می‌شود.

پودمان و روشهای آموزشی پودمانی

اصطلاح آموزش پودمانی دارای ریشه اسلامی است، ولی تاریخ نوین پیدایش آن به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد (آموزش پودمانی خاستگاه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۴). یک پودمان به عنوان یک واحد کوچک و جداگانه از منابع یادگیری برای کار به صورت انفرادی تعریف شده، خود بخشی از یک سیستم بزرگتر است که الزامات شامل بسته‌های خودمحتوا^۲ و خودآموزی^۳ بوده و توسط هر فراگیر مطابق با نیازها و توانایی فردی او آموخته می‌شود. این مفهوم بر واحدهای استاندارد شده انعطاف‌پذیر و متنوع کاربردی مبتنی است که هر یک تجربه یادگیری مستقلی بوده و از سایر پودمانها مجزا می‌باشد (Gass et al., 2004).

بر طبق تعریف رادینا (۱۳۷۸)، پودمان به مجموعه‌ای از مهارتهای نظری و عملی اطلاق می‌شود که با استفاده از آنها اجرای یک مرحله مفید از کار به طور مستقل امکان‌پذیر می‌گردد. بنابراین در عین حال که اهداف مقطعی مشخصی را دنبال می‌کنند، با ترکیب با یکدیگر، توان ورود به یک پودمان آموزشی بالاتر را پیدا می‌کنند که آن پودمان هدفی بالاتر را برای نیازهای تعریف شده دنبال می‌کند (آموزش پودمانی خاستگاه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۴).

آموزش پودمانی نیز برگرفته از واژه مدولار^۴ یک نوع آموزش مهارتی بوده که دارای تعاریف مختلفی است. برطبق آیین نامه اجرایی ماده ۱۵۰ قانون برنامه سوم توسعه، شکلی از آموزشهای تابعی است که تخصصهای شغلی در قالب پودمانهای آموزشی مستقل و جدا از هم آموزش داده می‌شود. هریک از پودمانها مهارت خاصی را ایجاد می‌کند و در عین حال در کنار سایر پودمانها، منجر به ایجاد مهارت جدید و جامع‌تر می‌شود. این نوع آموزش از دیدگاه و منظر برخی مؤسسات و دانشگاههای علمی- کاربردی یکی از شیوه‌های جدید آموزشی است که به شکل آموزشهای منقطع، منفصل و یا گام به گام ارایه می‌شود (آموزش پودمانی خاستگاه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۴). مهمترین اصول حاکم بر رویکرد آموزش پودمانی عبارت است از: اصل استقلال، اصل ارتباط تنگاتنگ با نیازهای مهارتی شغل، اصل توجه به یادگیری در حد تسلط، اصل خودآموز بودن آموزشها، و اصل توجه به تفاوت‌های فردی (قرزل، ۱۳۸۴). پودمانها دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند (آموزش پودمانی خاستگاه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۴؛ رادینا، ۱۳۷۸؛ Gass et al., 2004):

- تقریباً همه به یک شکل تنظیم می‌گردند، اکثراً شامل مقدمه یا معرفی کلی، فهرستی از نتایج مورد انتظار یادگیری، یک آزمون اولیه تشخیصی (پیش‌آزمون)، محتوا، مطالعات موردی، فعالیتهای یادگیری، آزمون نهایی هستند (تعداد کمی از پودمانها به دلیل محتواهای خاص خود به شکل‌های متفاوت تری تنظیم می‌شوند).
- هدف یادگیری مشخصی را دنبال می‌کند به طوری که این هدف همواره متکی به هدفی فراگیرتر است.
- می‌تواند به عنوان واحدهای مجزای یادگیری باشد و در عمل مشکلی تعریف شده را برطرف یا تسهیل نماید.
- دربرگیرنده یک یا چند نتیجه یادگیری است و نتایج آن آثار مفیدی را در راستای هدف تعریف شده در بردارد.

2. Self-Contained

3. Self-instruction

4. Modular

- اکثر پودمانها حاوی تمام مواد لازم برای نیل به اهداف آموزشی هستند، از این رو به آنها بسته‌های آموزشی نیز می‌گویند. این مواد ممکن است مطالب نوشته شده، نوار صوتی، فیلم، اسلاید، عکس و تصویر، نمودار و ... باشند.

- مسئولیت عمده یادگیری به عهده فراگیر است و یادگیرنده خود میزان یادگیری را کنترل می‌کند و نظامی فراگیرمدار است.

- پیوستگی، ترتیب و ساختار معلومات از دیگر ویژگیهای پودمانهای آموزشی است. پودمانها نه تنها عناصری از قبیل تجارب عملی، مواد نظری و اطلاعات حاصل از رسانه‌های مختلف را به هم می‌پیوندند، بلکه فراگیر را از ارتباط نزدیک و پیوسته موضوع درسی با تمام مفاهیم مربوطه نیز مطمئن می‌سازند.

تعداد پودمانهای آموزشی برای هر موضوع آموزشی بسته به گستردگی موضوع، بسیار متفاوت می‌باشد و فرمول کاملاً دقیقی برای تعیین تعداد پودمانهای آموزشی وجود ندارد. علی‌رغم محاسن رویکرد آموزشی پودمانی، نظامی پر هزینه است و مستلزم صرف زمان بیشتری از سوی تهیه‌کنندگان پودمان می‌باشد (Anonymous, 2004).

با وجود آنکه جایگاه آموزش و مهارتها بخصوص با رویکرد پودمانی، در سیر تحول برنامه‌ریزی درسی به سالهای پس از جنگ اول جهانی باز می‌گردد، این رویکرد از آن جهت که نیاز مبرم به آموزش مهارتها در کوتاهترین زمان و با مطلوبترین بازدهی احساس می‌شد، در ایران نیز مورد توجه قرار گرفت. عمده‌ترین کاربرد پودمانهای آموزشی در آموزش‌های علمی- کاربردی است که شکلی از آموزشهای متصل است که در آن مهارتهای شغلی در قالب پودمان‌های مستقل به فراگیران آموزش داده می‌شود (قزل، ۱۳۸۴). علاوه بر آن مرکز امور مشارکت زنان نیز با همکاری دانشگاه الزهرا (س) به منظور انطباق زنان با دانش و مهارت‌های لازم در جوامع امروزی به طراحی و تدوین پودمان آموزشی مهارت‌های زندگی زنان پرداخته است.

روش پژوهش

در این بررسی از روش پژوهش پیمایشی به عنوان روش پژوهش کمی، و تحلیل محتوا به عنوان روش تحقیق کیفی برای استخراج داده‌ها استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) کشاورزی دختر دانشگاههای سراسری و آزاد ساکن در استان فارس و عضو سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس بوده‌اند که با نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده⁵ به صورت هدفمند حدود ۴۵۰ فارغ‌التحصیل کشاورزی دختر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌هایی (ابزار سنجش پژوهش) که روایی صوری آن توسط صاحب‌نظران و اساتید تعیین گردید، برای اعضای نمونه مورد نظر از طریق پست فرستاده شد. پرسشنامه پژوهش شامل سوالات باز و بسته‌ای بود که در ۳ بخش شامل اطلاعات بیوگرافی و شغلی پاسخ دهنده، نیازسنجی آموزشی، و علاقمندی و پیشنهادات پاسخ‌دهنده نسبت به برگزاری دوره‌های آموزشی تکمیلی، تهیه و تنظیم شد. قبل از طراحی سوالات مربوط به بخش دوم پرسشنامه طی نظرخواهی از اساتید دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز و بررسی منابع موجود در این رابطه تعداد ۵۶ حرفه به عنوان حرفه‌های موجود برای دانش‌آموختگان کشاورزی دختر در تمامی رشته‌های ده‌گانه کشاورزی⁶ شناخته شد و طی فهرستی ضمیمه پرسشنامه و برای جمعیت دانش‌آموختگان مورد مطالعه ارسال شد. از میان این حرفه‌ها دانش‌آموختگان با توجه به میزان علاقه و میزان آمادگی خویش برای پرداختن به آنها موظف به انتخاب سه حرفه بر حسب اولویت بودند.

پس از ارسال پرسشنامه‌ها، به دلیل تغییر محل اسکان قسمت عمده پاسخگویان و عدم دسترسی از طریق پست به آنها، در مجموع ۱۸۷ پرسشنامه از پاسخگویان مورد نظر جمع‌آوری گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از نرم‌افزار

⁵ Simple Random Sampling.

⁶ آبیاری، اقتصاد کشاورزی، باغبانی، ترویج و آموزش کشاورزی، خاکشناسی، زراعت و اصلاح نباتات، علوم دامی، صنایع غذایی، گیاهپزشکی و ماشین‌آلات کشاورزی

SPSS (version 11)، و تحلیل‌های توصیفی و آزمون آماری مربع کای استفاده شد. برای پرسش‌های باز نیز از تحلیل محتوایی استفاده شد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که در میان فارغ‌التحصیلان دختر مورد مطالعه، تعداد بیکاران بیشتر از تعداد شاغلین است به طوری که از کل آزمودنی‌ها فقط حدود ۴ درصد آنها شغل دائم دارند و بالغ بر ۹۵ درصد از دانش‌آموختگان دختر بیکار بوده و یا شغل موقت دارند. قسمت اعظم شاغلین به مشاغل موقتی و پاره‌وقت، عمدتاً به صورت ناظر در طرح نظارتی افزایش تولید محصولات سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس اشتغال دارند. هر چند این گونه طرحها از سوی دولت برای فارغ‌التحصیلان کشاورزی در نظر گرفته شده است، ولی به صورت موقت بوده و تضمینی برای دایمی شدن آنها وجود ندارد. پس از این دسته بالاترین درصد شاغلین، در آموزش و پرورش به صورت پاره‌وقتی عمدتاً برای درس حرفه‌وفن پایه‌ راهنمایی مشغول به کار هستند. درصد ناچیزی هم به صورت تمام وقت در مراکز و ارگانهای دولتی نظیر مدیریت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان و مجمع متخصصین فارس مشغول به کار هستند. از میان شاغلین درصد کمی در مراکز خصوصی و درصد ناچیزی از آنها هم به صورت خوداشتغالی مشغول به کار هستند؛ که نشان‌دهنده عدم تمایل و یا عدم توانایی فارغ‌التحصیلان دختر مورد مطالعه به خوداشتغالی است که بعضاً هم حاکی از نبود آگاهی، حمایت و پشتیبانیهای لازمه از این گروه فارغ‌التحصیلان در اقدام به فعالیتهای خوداشتغالی است. نتایج حاصل از بررسی توزیع فراوانی شغلی پاسخگویان در جداول ۱ الی ۲ آمده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی وضعیت شغلی جمعیت مورد مطالعه

جمعیت شاغلین				شاغل	ادامه تحصیل	بیکار	وضعیت شغلی
مجموع	شغل نیمه‌وقت	شغل موقت	شغل دائم				
۸۹	۱۲	۶۹	۸	۸۹	۵	۹۳	فراوانی
۱۰۰/۰	۱۳/۵	۷۷/۵	۹/۰	۴۷/۶	۲/۷	۴۹/۷	درصد

جدول ۲- توزیع فراوانی نوع شغل جمعیت شاغل مورد مطالعه از نظر نوع کارفرما

کل جمعیت شاغلین		نوع شغل جمعیت شاغل
درصد	فراوانی	
۸۲/۰	۷۳	شغل دولتی
۱۴/۶	۱۳	شغل خصوصی
۳/۴	۳	شغل خوداشتغالی
۱۰۰	۸۹	جمع

همانگونه که جدول ۳ نشان می‌دهد بیش از نیمی از پاسخگویان فارغ‌التحصیلان دانشگاههای آزاد اسلامی می‌باشند. که در دستیابی به شغل نسبت به فارغ‌التحصیلان دانشگاههای دولتی از وضعیت نامساعدتری برخوردارند که ناشی از کثرت فارغ‌التحصیلان کشاورزی دختر دانشگاههای آزاد اسلامی است.

جدول ۳- توزیع فراوانی دانشگاه محل تحصیل جمعیت مورد مطالعه به تفکیک شاغل و بیکار

جمعیت بیکار		جمعیت شاغل		کل جمعیت		نوع دانشگاه محل تحصیل
درصد	فراوانی (نفر)	درصد	فراوانی (نفر)	درصد	فراوانی (نفر)	
۴۱/۹٪	۳۹	۳۸/۲٪	۳۴	۴۱/۲٪	۷۷	دولتی
۵۸/۱٪	۵۴	۶۱/۸٪	۵۵	۵۸/۸٪	۱۱۰	آزاد

بررسی وجود رابطه میان نوع دانشگاه از لحاظ دولتی یا آزاد بودن و وضعیت شغلی دانش‌آموختگان با استفاده از آزمون مربع کای (ChiSquare) نشان می‌دهد که در سطح ۵ درصد هیچگونه رابطه معنی‌داری بین نوع دانشگاه محل تحصیل فارغ‌التحصیلان و وضعیت شغلی آنها از نظر شاغل یا بیکار بودن وجود ندارد. به عبارت دیگر اینکه دانش‌آموختگان از دانشگاه دولتی فارغ‌التحصیل شده باشند یا از دانشگاه آزاد اسلامی، هیچگونه تاثیری در وضعیت شغلی آنها ندارد. لازم به یادآوری است که اکثر شاغلین به صورت موقت به کار اشتغال دارند. نتایج حاصل از بررسی این ارتباط در جدول ۴ آورده شده است.

نتایج حاصل از بررسی توزیع فراوانی رشته تحصیلی کل جمعیت، جمعیت شاغل و جمعیت بیکار فارغ‌التحصیلان مورد مطالعه نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از پاسخگویان (۴۷/۶)، فارغ‌التحصیل از رشته گیاهپزشکی می‌باشند و پس از آنها فارغ‌التحصیلان رشته زراعت (۱۹/۸) می‌باشند. هیچیک از پاسخگویان فارغ‌التحصیل از رشته‌های ماشین‌آلات کشاورزی و علوم و صنایع غذایی نبوده‌اند. با وجود آنکه بیش از نیمی از فارغ‌التحصیلان هر رشته بیکار هستند، تنها در رشته آبیاری فارغ‌التحصیل بیکار وجود ندارد.

جدول ۴- بررسی رابطه میان نوع دانشگاه و وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان

وضعیت شغلی	نوع دانشگاه	
	دولتی	آزاد
شاغل	۳۴	۵۵
بیکار	۳۹	۵۴
ارزش مربع کای (Chi Square Value)	۰/۶۰۷	
Phi coefficient	۰/۰۳۸	

بررسی توزیع فراوانی ارگانها و محل‌های مورد مراجعه برای به دست آوردن شغل پس از فارغ‌التحصیلی در بین جمعیت مورد مطالعه در جدول ۵ نشان می‌دهد که اکثر دانش‌آموختگان جویای کار در مراجعه به سازمان جهاد کشاورزی و ادارات تابعه آن، موفق به کسب شغل دائم نشده‌اند (۹۷/۱ درصد). اما از نتایج مثبت مراجعه به این سازمان و ادارات تابعه آن از دید دانش‌آموختگان، اشتغال به کار در آن ادارات به صورت موقت، آشنایی با جنبه‌های عملی آموخته‌های دانشگاهی، اخذ مجوز کشت گیاهان دارویی و اخذ مدرک سم‌شناسی برای اقدام به فعالیتهای خوداشتغالی می‌باشد. تنها ارگانی که بیش از ۵۰ درصد (۵۴/۱ درصد) دانش‌آموختگان مراجعه کننده به آن به نتیجه مطلوبی رسیده‌اند، سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس می‌باشد؛ زیرا قسمت اعظم مراجعین پس از دریافت کار عضویت در نظام مهندسی در طرح نظارتی افزایش تولید محصولات کشاورزی، به عنوان ناظر مزارع شرکت داده شده‌اند و نهایتاً موفق به کسب شغل (موقتی) شده‌اند. در نتیجه شرکت دادن بسیاری از فارغ‌التحصیلان خصوصاً دختران در اجرای این طرح، خودباوری و اعتماد به نفس لازم برای شروع یک کسب و کار در آنها به وجود آمده و از این حیث کمک بسیار زیادی به دانش‌آموختگان شده است. اما به دلیل محدود بودن ظرفیت طرح

در پذیرش دانش‌آموختگان به عنوان ناظر مزارع، نزدیک به نیمی از مراجعین به این سازمان، به صورت نمرات ذخیره در انتظار اجرای طرح‌های مشابه می‌باشند تا موفق به کسب شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود ولو به صورت موقت و غیردائم شوند. یکی دیگر از ارگانهای مورد مراجعه بسیاری از دانش‌آموختگان دختر کشاورزی پس از سازمان نظام مهندسی، ادارات آموزش و پرورش است. حدود ۳۰ درصد از مراجعه‌کنندگان به این ادارات در مدارس به تدریس دروس عمدتاً درس حرفه و فن به صورت پاره‌وقتی مشغول شده‌اند و نزدیک به ۷۰ درصد آنها توفیقی به دست نیاورده‌اند. اداره کار و امور اجتماعی نیز همچون سایر ارگانهای دولتی ذیربط گرهی از کار دانش‌آموختگان کشاورزی دختر باز نموده است. تسهیل ساز و کار جستجوی شغل از سیاستهای مهم فعال بازار کار و از وظایف مراکز خدمات اشتغال وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی است. در حالی که این مراکز در عمل فاقد طرحهای مشخص برای ایجاد شغل، خوداشتغالی و آموزش هستند و نمی‌توانند به نیاز کارفرمایان پاسخ دهند (طایی، ۱۳۸۲). بنا به اظهارات فارغ‌التحصیلان، تنها اقدام این ارگان توزیع کارتهای درخواست شغل در مراکز پستی است که متقاضیان کار بایستی با خرید و تکمیل آنها در لیست انتظار اداره کار و امور اجتماعی برای کسب شغل بمانند و تاکنون نیز نتیجه مثبتی از این اقدام عاید دانش‌آموختگان نشده است. در اقدام به خوداشتغالی و استفاده از وامهای ۲۰۰ میلیون ریالی مختص فارغ‌التحصیلان کشاورزی نیز مشکلاتی نظیر نداشتن ضامن معتبر، عدم همکاری ادارت ذیربط، نداشتن زمین، نداشتن مجوز برای شروع فعالیت، بهره‌بالای وامهای دریافتی، شرایط نامناسب بازپرداخت وامهای دریافتی، و از همه مهمتر تجربه کم فارغ‌التحصیلان کشاورزی در فعالیتهای مرتبط با کشاورزی پیش روی دانش‌آموختگان دختر کشاورزی حایز اهمیت است. با این حال تنها تعداد اندکی از دانش‌آموختگان با تاسیس گلخانه یا کارگاه پرورش قارچ خوراکی آن هم به صورت موقت مشغول به کار شده‌اند.

جدول ۵- توزیع فراوانی مهمترین ارگانهای مورد مراجعه برای به دست آوردن شغل در بین جمعیت فارغ‌التحصیل مورد مطالعه

ردیف	ارگانها	میزان مراجعه		نتیجه مراجعه	
		فراوانی	درصد	نتیجه مثبت	
				فراوانی	درصد
				بی نتیجه	نتیجه مثبت
				درصد	فراوانی
۱	سازمان جهاد کشاورزی استان و ادارت تابعه	۱۴۲	۲۳/۸	۱۳۲	۹۷/۱
۲	سازمان نظام مهندسی	۹۸	۱۶/۴	۴۵	۴۵/۹
۳	آموزش و پرورش	۵۹	۹/۹	۲۷/۱	۷۲/۹

* لازم به ذکر است که تنها ارگانهایی در جدول فوق ذکر شده اند که بیش از ۱۰ درصد مراجعات پاسخگویان را به خود اختصاص داده اند.

در همین زمینه تنها حدود ۲۵ درصد از دانش‌آموختگان مراجعه کننده به مراکز و شرکتهای خصوصی موفق شده‌اند که شغلی برای خود در شرکتهای و مراکز خصوصی بدست آورند و بقیه توفیقی در این رابطه بدست نیاورده‌اند. به اعتقاد محمدی دنیانی و فولادی (۱۳۸۰) پایین بودن کیفیت علمی و تعداد زیاد دانش‌آموختگان دانشگاهها از دلایل عمده عدم یافتن شغل در بخش خصوصی می‌باشند. زمانی (۱۳۸۰الف) نیز از جمله دلایل عدم به کارگیری دانش‌آموختگان کشاورزی در بخشهای خصوصی و توسط کشاورزان را نداشتن تجربه عملی و عدم کارایی مهندسين کشاورزی می‌داند.

سایر مراکز و ارگانها نیز به دلایل مشابهی از پذیرش نیروهای جدید معذورند. بنابراین در یک جمع بندی، دلایل عدم اشتغال به کار دانش‌آموختگان دختر کشاورزی در مشاغل دولتی، خصوصی و خوداشتغالی را می‌توان این چنین بیان کرد:

۱. عدم نیاز به نیروی جدید و نداشتن مجوز استخدام برای اخذ نیروی اضافی از سوی دستگاهها و ادارات دولتی، ۲. عدم تناسب رشته‌های تحصیلی دانش‌آموختگان دختر کشاورزی با مشاغل مورد نظر ادارات، ۳. اجرای طرح تعدیل نیرو در دستگاهها و ادارات دولتی، ۴. ممنوعیت استخدام در ارگانها و دستگاههای دولتی، ۵. عدم احتیاج به نیروی زن و ترجیح دادن نیروی مرد از سوی آن مراکز، ۶. نداشتن رابط (یا به اصطلاح پارتی) در ادارات ذیربط، ۷. الزامی بودن مجوز قبولی در آزمون استخدامی ادواری از سوی دانش‌آموختگان، ۸. عدم توفیق در آزمون استخدامی ادارات و مراکز خصوصی، ۹. فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد

بودن، ۱۰. پایین بودن سطح مدارک تحصیلی دانش‌آموختگان (مدرک کارشناسی)، ۱۱. ارجاع دادن دانش‌آموختگان به مراکز و ادارات دیگر، ۱۲. عدم حمایت‌های مالی دانش‌آموختگان دختر کشاورزی در اقدام به خوداشتغالی، ۱۳. نداشتن ضامن معتبر، عدم همکاری ادارات ذربیط، نداشتن زمین، نداشتن مجوز برای شروع فعالیت، بهره‌بالای وام‌های دریافتی، شرایط نامناسب بازپرداخت وام‌های دریافتی در دریافت وام برای خود اشتغالی، و ۱۴. مهمتر از همه تجربه کم فارغ‌التحصیلان کشاورزی در فعالیتهای مرتبط با کشاورزی.

همانطور که پیش از این نیز در قسمت طراحی پرسشنامه گفته شد، حدود ۵۶ حرفه به عنوان حرفه‌های موجود برای دانش‌آموختگان کشاورزی دختر مشخص گردید که فارغ‌التحصیلان مخیر به انتخاب سه حرفه از میان آنها بر حسب میزان علاقه و آمادگی خود بودند. پس از بررسی نتایج حرفه‌های مورد نظر و علاقه فارغ‌التحصیلان بر حسب اولویت، حرفه‌های انتخابی بر حسب میزان فراوانی آنها در هر سه اولویت مورد بررسی قرار گرفتند و تعداد ۲۹ حرفه بر اساس انتخاب دانش‌آموختگان مورد مطالعه مشخص گردید که پس از بررسی و ادغام برخی از آنها، و همچنین بررسی مباحث پیشنهادی پاسخگویان در مورد مهارتهای مورد نیاز هر حرفه (در چهار بعد آموزشهای فنی - کشاورزی، مباحث مدیریتی، روابط اجتماعی و اداری - مالی)، مجموعاً تعداد ۱۷ دوره آموزشی تکمیلی در قالب پودمانهای آموزشی با بهره‌گیری از همکاری اساتید و متخصصان امر از دانشکده کشاورزی و دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز، مرکز تحقیقات وابسته به وزارت جهاد کشاورزی و همچنین سازمان نظام مهندسی کشاورزی استان فارس برای دانش‌آموختگان تهیه و تدوین گردید. فهرست پودمانهای آموزشی در جدول ۶ آمده است. لازم به ذکر است که در همه موارد تاکید فارغ‌التحصیلان بر برگزاری دوره‌های آموزشی تکمیلی به صورت عملی و منطبق با تازه‌ترین مطالب بوده است. با توجه به اینکه برگزاری دوره‌های آموزشی تکمیلی به صورت حرفه‌آموزی کارگاهی و پودمانی با تاکید بر فعالیتهای عملی و تجربی می‌باشد، اکثر فارغ‌التحصیلان دختر کشاورزی ترجیح داده‌اند که دوره‌های آموزشی تکمیلی حرفه‌آموزی مذکور در فوق در اوقات صبح و بعدازظهر روزهای تابستان و در قالب دوره‌های کوتاه‌مدت ۱ الی ۲ هفته‌ای و دوره‌های بلندمدت ۳ ماهه تشکیل شوند.

جدول ۶- دوره های آموزشی تکمیلی انتخابی پاسخگویان

پودمان آموزشی
۱) دوره آموزش پودمانی کشت گلخانه‌ای و تولید خارج از فصل گل و سبزیجات
۲) دوره آموزش پودمانی ارزیابی اقتصادی و مالی طرحهای کشاورزی
۳) دوره آموزش پودمانی کشت و پرورش قارچ خوراکی دکمه ای
۴) دوره آموزش پودمانی طراحی فضای سبز
۵) دوره آموزش پودمانی نگهداری فضای سبز
۶) دوره آموزش پودمانی پرورش کرم خاکی برای تهیه کمپوست
۷) دوره آموزش پودمانی تربیت کارشناس طرحهای نظارتی افزایش تولید سازمان نظام مهندسی
۸) دوره آموزش پودمانی پرورش گیاهان آپارتمانی و درون خانه ای
۹) دوره آموزش پودمانی طرز تهیه و تدوین نشریات ترویجی و فنی
۱۰) دوره آموزش پودمانی تربیت کارشناس کنترل، تکثیر و گواهی بذهای اصلاح شده در مراکز آزمایشگاهی و مزرعه
۱۱) دوره آموزش پودمانی پرورش زنبور عسل؛
۱۲) دوره آموزش پودمانی کشت هیدروپونیک؛
۱۳) دوره آموزش پودمانی پرورش گیاهان دارویی (از چند تیره خاص)
۱۴) دوره آموزش پودمانی مدیریت مزرعه و حسابداری یک واحد زراعی
۱۵) دوره آموزش پودمانی کاربرد اینترنت و کامپیوتر در کشاورزی
۱۶) دوره آموزش مدیریت منابع انسانی و مهارتهای مدیریتی (روابط اجتماعی، روانشناسی محیط کار و ...)

ساختار پودمان آموزشی

در مورد ساختار یک پودمان آموزشی در بین متخصصان برنامه‌ریزی آموزشی اتفاق نظر چندانی وجود ندارد، به طوری که ساختار یک پودمان آموزشی تا حد زیادی متأثر از موضوع آن است. در پودمانهایی که هدف از آنها آموزش مهارت است، بیشتر بر تمرین و کار عملی تأکید می‌شود، اما وقتی هدف گسترش معلومات و دانش خاصی باشد، توضیح واضح‌تر مطالب با استفاده از تصاویر و نمودارها و روشهای دیداری- شنیداری بیشتر مورد تأکید واقع می‌شود. اما به طور کلی اکثر پودمانهای آموزشی با اصول مشابهی طراحی می‌شوند و دارای اجزایی مشابهند (رادنیا، ۱۳۷۸). در ذیل راهنمای عملی به کار گرفته شده برای تهیه پودمانهای آموزشی تکمیلی دانش آموختگان دختر کشاورزی و ساختار پیشنهادی به شکل مختصر ارائه شده است:

۱- صفحه عنوان: شامل عنوان پودمان و عنوان دوره آموزشی، اسامی تهیه‌کننده(گان)، تنظیم‌کننده(گان)، موسسات حمایت‌کننده و زمان تهیه پودمان است.

۲- فهرست: شامل فهرست مطالب و مواردی است که در پودمان آموزشی مطرح می‌شود.

۳- مقدمه: در قسمت مقدمه مواردی نظیر ضرورت و اهمیت مساله، سابقه و وضعیت حرفه مورد نظر، موارد استفاده، زمان تهیه، معرفی کلی پودمان و چگونگی روند شکل‌گیری، حمایت‌کنندگان و سپاسگزاری و... آورده می‌شود.

۴- کمیته فنی- تخصصی: شامل اسامی اساتید درس و همکارانی است که در تهیه مطالب و محتوای آموزشی مشارکت می‌نمایند.

۵- کمیته تدوین‌کننده: شامل اسامی اساتید درس و همکارانی است که در تدوین و تنظیم پودمان همکاری می‌نمایند.

۶- دستورالعمل استفاده از پودمان: این قسمت شامل راهنمای چگونگی استفاده از محتوا، اجرای تکالیف، تمرینها، پروژهها و کارگاههای مرتبط با پودمان آموزشی به صورت نظری (تئوری) و یا عملی می‌باشد.

۷- شرح وظایف یا تواناییهای مورد انتظار از شرکت‌کنندگان: در این قسمت تواناییهایی که انتظار می‌رود هر یک از شرکت‌کنندگان پس از طی دوره آموزشی بدست آورده باشند، فهرست می‌شوند.

۸- هدف کلی: نتیجه‌نهایی که از آموزش مورد نظر است، به عنوان هدف کلی مطرح می‌گردد.

۹- اهداف ویژه (رفتاری): مجموعه اهداف اختصاصی و جزئی برای دستیابی به هدف کلی دوره آموزشی می‌باشند.

۱۰- محتوی: پیام و مطالبی که در راستای دستیابی به اهداف ویژه و رفتاری بایستی به فراگیران ارائه شود، به صورت سرفصل و نکات مهم تنظیم می‌شود.

۱۰-۱- سرفصل‌های نظری

۱۰-۲- سرفصل‌های عملی

۱۱- شیوه آموزش و فنون تدریس: شامل نحوه تدریس تک تک مباحث و روشهای ارائه نظیر سخنرانی کلاسی، کارگاه آموزشی، نمایش فیلم یا اسلاید، بازدید، کار میدانی و یا آزمایشگاهی و... است که در این قسمت ذکر نام مدرس، و سمت وی، محل مورد بازدید و سایر مشخصات مربوطه ضروری می‌باشد.

۱۲- پیش‌آزمون: قبل از برگزاری دوره آموزشی پودمانی باید تواناییها و آگاهیهای قبلی فراگیران با انجام یک پیش‌آزمون (Pre-test)

در آغاز برگزاری دوره آموزشی مورد سنجش قرار گیرد. پیش‌آزمون شامل پرسشها و یا تمرینهایی است که برای سنجش میزان آگاهی و مهارت اولیه فراگیران برای آنها تدارک دیده می‌شود.

۱۳- فرصت‌های یادگیری- کاربرگها: تمرینهای در نظر گرفته شده برای فراگیران به صور مختلف شامل: تمرینهای تکمیلی، تطبیقی، چهارگزینه‌ای، تشریحی و غیره است. توصیه می‌شود بین یک به یک هدفها و جزء به جزء کاربرگها رابطه مستقیم وجود داشته باشد.

۱۴- خلاصه مطالب: در این قسمت خلاصه مختصری از کل پودمان آموزشی آورده می‌شود؛ که معمولاً دربرگیرنده کلیه اجزای پودمان به شکل مختصر و مفید است و بسته به حجم پودمان آموزشی، ۲ الی ۱۰ صفحه را شامل می‌شود.

۱۵- آزمون نهایی و ارزشیابی: منظور ارزشیابی فراگیران در پایان دوره آموزشی به صورت کار عملی، نظری، پروژه‌ای و غیره بر حسب ضرورت پودمان آموزشی است.

۱۶- منابع علمی: در دو قسمت: (۱) منابع مورد استفاده و (۲) معرفی مختصر منابع مرتبط مورد توصیه

پیشنهادها

به منظور بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی به ویژه دختران توصیه‌هایی ارائه می‌شوند که در ذیل آمده‌اند:

◀ محدود کردن تعداد پذیرش دانشجویان دختر برای رشته‌های کشاورزی از طریق دانشگاه‌های دولتی و خصوصاً دانشگاه آزاد اسلامی؛ به طوری که با توجه به نیاز جامعه دانشجو پذیرفته شود و با ارائه راهنمایی‌های لازم در هنگام انتخاب رشته، دختران را به سمت انتخاب رشته‌هایی غیر از کشاورزی که هم از نظر فرهنگی مورد پذیرش باشند و هم از نظر جسمانی قادر به انجام آنها باشند، هدایت نمود.

◀ افزایش واحدهای عملی در دروس دانشگاهی؛ در این رابطه کارکردن به شکل نیمه یا پاره وقت در آزمایشگاهها در دوران تحصیل مثر ثمر است.

◀ آشنایی با بازار کار از طریق مشاوره شغلی؛ با تاسیس دفاتر مشاوره و راهنمایی شغلی در هر دانشکده، متخصصین مشاوره و راهنمایی‌های شغلی می‌توانند با تبیین وضعیت بازار کار و همچنین با در اختیار گذاشتن آمار و اطلاعات مربوط به بازار کار برای گروه فارغ‌التحصیل آن دانشکده، در راه هدایت شغلی دانش‌آموختگان برای دستیابی به شغل مناسب تاثیر چشمگیری داشته باشند.

◀ تهیه و انتشار اطلاعات پیرامون بازار کار؛ زیرا یکی از دلایل مهم و اساسی عدم توفیق فارغ‌التحصیلان کشاورزی خصوصاً دختران به خوداشتغالی در این بخش، آشنا نبودن با حرف موجود در این بخش به ویژه حرفه‌های نوپا است.

◀ تشکیل کانون دانش‌آموختگان در هر دانشکده و ارسال نشریه‌های علمی و آموزشی برای دانش‌آموختگان و همچنین برگزاری دوره‌های تکمیلی و تغذیه علمی و عملی آنها به طور موثر.

◀ اجاره دادن زمینهای کشاورزی دانشکده‌های کشاورزی در دوره دانشجویی به دانشجویان خصوصاً خواران به منظور کسب تجربه شغلی در آنها.

◀ افزایش مدت کارآموزی و دوره کارورزی؛ همانطور که نتایج پژوهش حاضر نشان داد به اعتقاد فارغ‌التحصیلان دختر رشته‌های کشاورزی، برنامه‌های فعلی در ایجاد مهارت حرفه‌ای لازم جهت مدیریت عملیات تولیدی از کارایی لازم برخوردار نیست و دانشجویان ناچارند مدتی را جهت کسب تجربه عملی پس از فراغت از تحصیل سپری نمایند تا بتوانند مدیریت یک واحد تولیدی یا سایر مسئولیتها را با ضریب اطمینان بیشتر به عهده بگیرند. تاکید بیشتر بر واحدهای عملی و کاربردی و آموزش در مزارع و ارائه اطلاعات کاربردی در رفع این مشکل نقش بسزایی خواهد داشت.

◀ تسهیل‌سازی شرایط دریافت وامهای خوداشتغالی با بهره‌های اندک و به صورت طولانی مدت برای حمایت از فعالیتهای خوداشتغالی و کارآفرینی به منظور ایجاد و تقویت روحیه خود اشتغالی در فارغ‌التحصیلان کشاورزی دختر.

◀ تسهیل‌سازی شرایط دریافت زمین از اداره منابع طبیعی استان و یا امور اراضی و توجیه سازی این ارگانها در همکاری با فارغ‌التحصیلان کشاورزی به ویژه دختران.

افزایش طرح‌هایی نظیر طرح‌های نظارتی افزایش تولید اجرا شده توسط سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی به منظور بهره‌گیری از استعداد‌های دانش‌آموختگان کشاورزی خصوصاً دختران و تقویت حس اعتماد به نفس و ایجاد دلگرمی در دانش‌آموختگان دختر کشاورزی و از سوی دیگر جلب اعتماد کشاورزان به فارغ‌التحصیلان کشاورزی خصوصاً دختران.

فهرست منابع و مآخذ

- آقاسی زاده، فتح اله. (۱۳۷۹). نارسایی‌های بنیادی نظام آموزش کشاورزی ایران. *ماهنامه جهاد*، سال شانزدهم، شماره، ۱۸۸-۱۸۹.
- آموزش پودمانی خاستگاه اقتصاد اسلامی. (۱۳۸۴). *فصلنامه بانک صادرات ایران*، سال ۲۸، شماره ۳.
- <http://www.saderbank.com/magazine/seasonal/28/3.htm> retrieved on 26 Jan 2005 09:07:05 GMT from .
- اعلاءفر، صدیقه. (۱۳۷۹ الف). نقش صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی در خوداشتغالی دانش‌آموختگان. خلاصه مقالات همایش بررسی مشکلات و چشم اندازهای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی، دانشگاه تهران: دانشکده مدیریت، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- اعلاءفر، صدیقه. (۱۳۷۹ ب). خوداشتغالی (کار برای خود). مجموعه متون آموزشی، شماره ۵۰، موسسه کار و تامین اجتماعی.
- اکبری، کرامت اله. (۱۳۷۹). ارتباط آموزش عالی - اشتغال و چالش‌های موجود. خلاصه مقالات همایش بررسی مشکلات و چشم اندازهای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی، دانشگاه تهران: دانشکده مدیریت، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- امینی میلانی، مینو. (۱۳۷۹). راهبردهای توسعه اقتصادی و اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- بهرامی، فضل اله. (۱۳۸۰). اثربخشی برنامه های آموزشی دوره کارشناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز از دید دانش‌آموختگان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز: بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی.
- حجازی، یوسف. (۱۳۷۰). علل عدم گرایش دانشجویان به رشته کشاورزی. مجموعه مقالات ششمین سمینار علمی ترویج کشاورزی ایران، مشهد.
- دانش‌آموختگان آموزش عالی و اشتغال. (۱۳۷۸). *فصلنامه پژوهش*، شماره اول، صص. ۷۰-۵۵.
- رادنیا، حسین. (۱۳۷۸). مدل‌های آموزشی و طراحی آنها. دومین همایش بررسی و تحلیل آموزش‌های علمی - کاربردی، صص. ۳۱۲-۲۹۸.
- رحمانی، صفت اله. (۱۳۷۹). بررسی مشکلات و چشم انداز اشتغال دانش‌آموختگان، *ماهنامه جهاد*، سال نوزدهم.
- زمانی، غلامحسین. (۱۳۸۰ الف). برآورد نیاز بخش عمومی به نیروی متخصص کشاورزی تا سال ۱۳۹۰. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۳۵، صص. ۱۹۵-۱۷۷.
- زمانی، غلامحسین. (۱۳۸۰ ب). برنامه ریزی درسی در علوم کشاورزی، کارگاه آموزشی برای اعضای هیات علمی دانشکده کشاورزی، دانشگاه زابل.
- ساکتی، پرویز. (۱۳۸۰). بررسی رابطه اشتغال در بخش غیردولتی با ویژگی‌های فردی، رشته تحصیلی، وضعیت اقتصادی دانش‌آموختگان شاغل در استانهای جنوبی کشور (گروه نیازسنجی نیروی انسانی متخصص). تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۵). ویژگی‌های دانشگاه‌های ایران در قرن ۲۱. خلاصه مقالات سمینار آموزش عالی در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صیوحی، فرحناز. (۱۳۸۰). بررسی و تحلیل علل بیکاری دانش‌آموختگان (دیدگاه‌های مدیران بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها و دانش‌آموختگان). گزارش نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.

- طایی، حسن. (۱۸۲). نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، سیاستگذاری توسعه منابع انسانی کشور (تلفیق نهایی). تنظیم کنندگان: حسن طایی، پریدخت وحیدی و محمدباقر غفرانی، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- ظریفیان، شاپور. (۱۳۷۵). بررسی تطابق نیازهای حرفه ای بازار کار با محتوای برنامه های آموزش عالی کشاورزی از نظر دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. خلاصه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران.
- عسکریان، مصطفی. (۱۳۷۵). مطالعه مسایل آموزشی و اقتصادی دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاههای دولتی شهر تهران.
- غفرانی، محمدباقر. (۱۳۷۶). رسالتهای آموزش عالی در دنیای جدید و در ایران اسلامی. خلاصه مقالات سمینار منطقه ای آموزش عالی در قرن آینده، تهران.
- فرجادی، غلامعلی. (۱۳۷۶). ریشه یابی بیکاری تجصیلکرده ها و فشار برای تقاضای آموزش عالی در ایران. خلاصه مقالات سمینار منطقه ای آموزش عالی در قرن آینده، تهران.
- قزل، آیلر. (۱۳۸۴). همه چیز در مورد طراحی برنامه های آموزشی، دوره های پودمانی نظام جامع علمی - کاربردی. <http://edu.tebyan.net/conquer/articles-con/033.htm> retrieved on 5 Oct 2005 23:36:37 GMT
- کرباسی، علیرضا و دانشور، محمد. (۱۳۷۹). بررسی وضعیت اشتغال در بخش کشاورزی استان خراسان در برنامه سوم توسعه. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هشتم، شماره ۳۰، صص. ۲۶۴-۲۴۷.
- محمدی دنیانی، منصور و فولادی، حسن. (۱۳۸۰). بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته های کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۴، صص. ۳۲۷-۳۴۱.
- معاونت برنامه ریزی وزارت کشاورزی. (۱۳۷۸). امکانات ایجاد اشتغال در فعالیتهای زراعی و باغی در برنامه سوم توسعه. وزارت کشاورزی.
- یعقوبی، داریوش. (۱۳۸۰). بررسی نقش رفتاری دانش آموختگان (مراکز نشینی، شهرنشینی، انتظارات، بی علاقگی به بخش سنتی و... بر بیکاری آنها). گزارش نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- Anonymous, (2004). *New design for career and technical education- Design Review*. No. 61, Retrieved from world wide web: <http://www.newdesigns.oregonstate.edu/co>.
- Gass, J.; Banks, D. and Wilson, A. J. (2004). (*No Title*). Retrieved 19 June 2004 from world wide web: <http://www.Science direct. Net>.

Modular planning for enhancing professional and job skills of female agricultural graduated: The case study in Fars province.

By: Maasoomeh Forouzani and Dr. Gholam Hosein zamani

Abstract:

In this decade, acceptance of student in higher education system in both governmental and non-governmental sectors without attention to society job-making capacities, decreasing of job-making agriculture sector abilities, and intensity of human forces in service sectors, increased unemployment ratio within university-graduated students. Unfortunately this situation is hard for agricultural graduated and harder for female graduated in this field; since females' entrance in universities compare to male has been increased and cultural-social limitations in participating in agricultural sector are greater. Many causes have been identified for unemployment of agricultural graduated, but weakness of practical skills and low experience in agricultural activities is the most important. Therefore, this research has been designed for planning supplementary courses in modular format to enhance occupational abilities, and aimed to assess the needs of females agricultural graduated in Fars province.

This research was done in 1382-83. The base of this research was survey method in which 450 female agricultural graduated of both governmental and non-governmental settled in Fars province were interviewed through simple random sampling and filled the questionnaires. So, content analysis was used to analyze qualitative data.

The results indicate that the rate of unemployment is higher than employment among respondents, and the majority of employees engaged in part time jobs. Only Natural Resource and Agriculture Engineering System Organization was succeeded in employment of female graduated through implementation of "increasing crop production program" or "monitoring designs". Because of implementation problems, and low experiences of respondents, the tendency to do self-employment activities is very low. Hence, 17 educational courses were designed based on occupations selected by the respondents. Then for every course, a module was provided, which experts and masters of Agriculture College of Shiraz University contribute to prepare these modules. Finally, several practical recommendations presented for improving the occupational situation and increasing female agricultural graduated abilities to access professional jobs.